

به ماه تیر کانگه بود نیسان (بررسی و نقد بیتهی از خاقانی در شروح مختلف)

احمد رضایی جمکرانی^۱

چکیده

آثار خاقانی، به‌ویژه قصاید وی، به دلیل ساختارهای مختلف زبانی و بلاغی، از روزگاران گذشته پیچیده و مبهم به شمار آمده است؛ همین امر باعث شده که برای روشن شدن ابعاد مختلف اشعارش، از قرون پیشین تا کنون، شروح مختلفی بر قصاید او نوشته شود، به گونه‌ای که از قرن نهم هـ ق، با چنین شروحي رو به رو هستیم. یکی از قصایدی که بسیار محل توجه شارحان بوده، قصیده معروف به «ترسائیه» است. از آن جا که تأمل و مذاقه در تمام ابیات این قصیده از حوصله یک مقاله خارج است، در این پژوهش بیت:

به ماه تیر کانگه بود نیسان
به نخل پیر کانجا گشت برنا

را در شروح گوناگون بررسی و نقد کرده، نشان داده‌ایم شروح متأخر بیشتر متأثر از شرح مینورسکی بوده‌اند و بدون توجه به ساختار متن و اجزای بیت، به انحای گوناگون نظر وی را پذیرفته‌اند، در حالی توجه به ساختار متن می‌تواند معنای دیگری را عرضه نماید، معنایی که تنها یکی از شروح قدیم بدان توجه کرده و شروح دیگر از آن غافل بوده‌اند.

کلمات کلیدی: نقد، خاقانی شروانی، قصیده ترسائیه، ماه تیر، شروح

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم. A52_2006@yahoo.com

مقدمه

افضل‌الدین بدیل ابن علی نجار خاقانی شروانی (م ۵۹۵ هـ ق) از جمله شاعران زبان فارسی است که سبکی شخصی (privat style) دارد. توانایی در استخدام معانی و ابتکار مضامین، التزام ردیف‌های بلند، جنبه وصفی اشعار وی، اطلاع و احاطه بر لغات فارسی و عربی، اصطلاحات اطبا و فلاسفه و دقت ادبی او در ترکیب الفاظ،^۱ موجبات چنین سبکی را فراهم کرده است. می‌توان گفت همین مختصات، موجب ابهام برخی اشعار وی شده؛ به قول ریپکا «از ویژگی‌های شعرهایش، پیچیدگی غیر عادی و نامفهوم بودن ظاهری آنهاست؛ از این رو برای درک بیشتر اشعارش نیاز به تفسیرهای گسترده احساس می‌شد.»^۲ ابهام‌های شعر وی به گونه‌ای است که «برخی متقدمان پنداشته‌اند که بیش از پانصد بیت از ابیات استاد دارای معنی محصل نیست و این سخن بیرون از انصاف است، چه بعد از آشنایی به لهجه و طرز تعبیر او - که در ادراک مقصود هر نویسنده و شاعر، بدست آوردن آن ضروری است - معلوم می‌شود که هیچ بیتی بی‌معنی نیست. ولی هم به قضیت انصاف باید گفت رنج خوانندگان در ادراک مقاصد او با نتیجه‌ای که پس از غور و دقت و مراجعه به شروح حاصل می‌کنند، برابر نیست.»^۳ همان‌طور که در سخن و سخنوران آمده، لذت دریافت پیچیدگی‌های اشعار خاقانی، به هیچ روی قابل قیاس با لذت تفکر در ابیات حافظ و مولوی نیست و به همین سبب مولوی، منطق‌الطیر خاقانی را به صدا مانند کرده است.^۴

چنین مختصه‌ای در سبک خاقانی موجب شده از دیرباز برای روش نمودن زوایای پنهان سروده‌های وی، شروخی بر اشعار (قصاید) وی نوشته شود؛ از جمله شرح شیخ آذری طوسی در قرن نهم، شرح محمد بن داوود بن محمد بن محمود علوی شادی آبادی مشتمل بر ۴۴ قصیده (قرن ۱۰) محبت نامه اثر غنایی (عبدالوهاب بن محمود)، علوی لاهیجی و ...

از جمله قصاید بسیار مورد توجه و اهتمام شارحان، قصیده معروف به «ترسائیه» است با مطلع:

فلک کز روتر است از خط ترسا مرا دارد مسلسل راهب آسا

دولت‌شاه سمرقندی می‌نویسد: خاقانی این قصیده را در دوران حبس در قلعه شابران گفت «و حالات ترسایان و لغات و اصطلاحات ایشان را بیان می‌کند و این قصیده مشکل است و شیخ عارف آذری - علیه الرحمه - شرح ابیات مشکله این قصیده را در جواهرالاسرار بیان می‌کند و چون این قصیده موقوف به شرح است، زیاده از این در قلم نیامد».^۵ به هر روی ویژگی‌های مختلف این قصیده، توجه شارحان را جلب کرده و شروح مختلفی در ادوار مختلف بر آن نوشته شده است؛ در دوران اخیر نیز شرح قصیده ترسائیه اثر ولادیمیر مینورسکی، خارخاروند و زندان نوشته دکتر عباس ماهیار، سوزن عیسی از جمله شرح‌هایی هستند

۱. فروزانفر، سخن و سخنوران، ص ۶۱۴-۶۱۵.

۲. ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۲.

۳. فروزانفر، سخن و سخنوران، ص ۶۱۶.

۴. همان، ص ۶۱۶.

۵. دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، ص ۷۹.

که اختصاصاً به این قصیده پرداخته‌اند.

از آنجا که بررسی تک تک ابیات این قصیده و نقد آنها در خلال شروع مختلف از حوصله یک مقاله خارج است، در این پژوهش به بررسی یکی از ابیات این قصیده می‌پردازیم که بسیار محل نزاع شارحان بوده است:

به ماه تیر کانگه بود نیسان به نخل پیر کانجا گشت برنا^۱

اختلاف اصلی در مصراع نخست و همزمانی ماه «تیر و نیسان» در هنگام تولد عیسی است؛ شروع مختلف با تعابیر گوناگون تلاش کرده‌اند این مسئله را به گونه‌ای حل کنند! مع الوصف تحلیل‌های آنها چندان راهگشا به نظر نمی‌رسد؛ در اینجا، نخست شرح این بیت در شروع مختلف نقل می‌شود، آن گاه به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

شروع:

۱. جواهر الاسرار

در شرح جواهر الاسرار آذری طوسی که به نظر می‌رسد کهن‌ترین شرح باشد، این بیت نیامده و شارح به پیچیدگی آن توجه نکرده، هر چند به گفته دولتشاه، آذری ابیات مشکله این قصیده را بیان کرده است!

۲. شرح قصیده مسیحیه خاقانی

این شرح را شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین احمد لاهیجی در سال ۱۲۱۸ نوشته و علاوه بر اینکه کامل‌ترین شرح قدیمی این قصیده محسوب می‌شود، شارح مدعی است این قصیده مشتمل بر ۲۱ علم است و تا کنون کسی آن را بدین تفصیل شرح نکرده است.^۲ لاهیجی در توضیح بیت مذکور آورده است: «و این بیت هفتم است از ابیات قسمیه، و مراد از ماه تیر، اسم شهری است از شهر فارسیه و نیسان اسم ماهی است از شهر رومیه...»^۳ و پس از بر شمردن اسامی ماه‌های فارسی و رومی در قالب چهار بیت، می‌نویسد: «و اختیار شهر فارسیه و رومیه در نظم این بیت به جهت آن است که پیش از بعثت نبی ما (ص) فارسیان مجوسی بوده‌اند و رومیان نصرانی، و مراد از نخل پیر که برنا گشت، یعنی جوان شد، درخت خرما می‌خسکی است که حضرت عیسی قریب به آن شجره تولد یافت و از یمن قدم آن ثمر شجره نبوت آن نخل پیر یابس، طراوت یافته، خرما بار آورد»^۴.
در این شرح هیچ اشاره‌ای به همزمانی ماه تیر و نیسان، چگونگی نیسان شدن ماه تیر، معانی تیر و نیسان نشده و لاهیجی تنها به بر شمردن اسامی ماه‌های فارسی و رومی بسنده کرده؛ به دیگر سخن، شارح گره‌ای از موضوع نگشوده است.

۱. خاقانی، دیوان، ص ۲۸.

۲. لاهیجی، شرح قصیده مسیحیه خاقانی، ص ۲۴۵.

۳. همان، ص ۳۴۷.

۴. لاهیجی، شرح قصیده مسیحیه خاقانی، ص ۳۴۸.

۲. شرح قصیده ترساییه ولادیمیر مینورسکی

مینورسکی در هم‌زمانی ماه تیر و نیشان آورده است: «این تطبیق ماه‌های سوری (رومی) و ماه‌های ایرانی، تاریخ آستن شدن مریم را به عیسی تعیین می‌کند. دوست فاضل من، سید حسن تقی زاده - که در معرفت ازمنه و تقاویم فارسی، بزرگ‌ترین مرجع معتبر به شمار می‌آید - به من اطلاع داد که ۲۵ مارچ (بشارت) در آن سال که مسیح به دنیا آمد با اول نیشان یهودی و در عین حال با سی تیر ماه ایرانی مطابق بود. بیرونی در آثار الباقیه، ص ۲۹۴ بشارت (سبار) را در ذیل ۲۵ آذار (مارچ) ذکر می‌کند و می‌نویسد: جبرئیل نزد مردم آمد و او را به وجود مسیح بشارت داد و اعلام داد. از این روز تا وقتی که مسیح ولادت یافت اندکی بیش از ۹ ماه و پنج روز طول کشید... عیسی هرچند پدری از آدمیان نداشت و هرچند از جانب روح القدس مؤید بود، در اوائل حیات خویش تابع و پیرو مقتضای قوانین طبیعت بود. اما چند صفحه بعد در همان کتاب، ص ۳۰۹-۳۱۰ این نکته را می‌افزاید که نسطوریه سبار را در اولین یکشنبه از کانون اول (دسامبر) یا در آخرین یکشنبه از تشرین دوم (نوامبر) نگاه می‌دارند، در صورتی که یعقوبیه آن را در دهم ماه نیشان یهودی می‌گیرند و «این روز در سالی که بلافاصله قبل از سال ولادت مسیح می‌باشد، در شانزدهم ماه آذار سوری (رومی) واقع گردید. از طرف دیگر بیت موضوع بحث، وقوع اعجاز نخل را به وسیله کلمه آنکه یعنی آن زمان، به زمانی مربوط می‌کند که ماه تیر و نیشان در آن مطابق بوده است. اعجاز مذکور که در بیت ۱۵ نیز بدان اشاره شده، در هر حال بعد از ولادت مسیح واقع شده است»^۱.

چنان که ملاحظه می‌شود، مینورسکی با اطمینان به دانش تقی زاده، ماه نیشان سال را مطابق با سی تیر دانسته است، بدون اینکه کیفیت چنین محاسبه‌ای نقل شود که چگونه ماه مارچ، نیشان و تیر، هم‌زمانی یافته‌اند؟! به نظر می‌رسد در اینجا نه تنها ابهامی رفع نشده، ابهاماتی نیز بر متن افزوده و موجب شده شارحان بعدی همین امر را اساس توضیحات خویش قرار دهند و در شرح بیت مذکور، تنها به نقل آن اکتفا کنند.

۳. حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی شروانی

مرحوم دکتر معین نیز بدون هیچ توضیحی درباره این بیت، تنها نوشته‌اند: «ماه تیر در آن موقع با نیشان رومی موافق بود»^۲. اما چگونگی آن را شرح نداده‌اند؛ به نظر می‌رسد اندک توضیح ایشان هم با توجه به شرح مینورسکی بوده است.

همچنین ایشان در حاشیه برهان نوشته است: «نیسانو نام یک ماه بابلی است در فصل بهار که با ماه آدوکانیسا پارسی باستان و مارس و آوریل فرنگی مطابق بوده است... در عربی به فتح اول ماه هفتم از تقویم سریانی، این نام مستعار از نام ماه اول سال مذهبی یهود (هفتمین ماه سال عرفی) است که تقریباً از حیث

۱. مینورسکی، شرح قصیده ترساییه، ص ۷۴-۷۵.

۲. معین، حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی شروانی، ص ۳۰.

زمان بر آن منطبق است، این ماه مطابق با آوریل سال رومی و همان دارای سی روز است.^۱

۴. دیدار با کعبه جان؛ دکتر عبدالحسین زرین کوب

دکتر زرین کوب نیز همان مطالب مینورسکی را مجدداً در این کتاب آورده‌اند.^۲

۵. آثار (خاقانی پژوهانه) دکتر ضیاءالدین سجادی

مرحوم سجادی در تعلیقات دیوان خاقانی^۳ در شرح این بیت، همان جملات مینورسکی را بی کم و کاست نقل کرده‌اند. وی همچنین در گزیده‌های اشعار خاقانی: شاعر صبح (انتشارات سخن، ۱۳۷۴) و گزیده اشعار خاقانی (جامی، ۱۳۸۴)؛ همان توضیحات را نقل کرده‌اند.

ایشان همچنین در فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی ذیل نیسان آورده‌اند: ماه هفتم از ماه‌های رومیان (برهان) ماه هفتم از سال سریانی میان آذار و ایار و آن ماه دوم بهار است، مطابق اردیبهشت فارسی و ثور عرب و تقریباً مطابق آوریل فرانسوی و آن ۳۰ روز است (دهخدا). و باران این ماه نیز مجازاً نیسان گویند (غیاث). نیسان مطابق است با ۲۵ فروردین تا ۲۴ اردیبهشت و قدما عقیده داشتند که قطرات باران نیسان در صدف مروارید تولید می‌کند.

بعد از این مقدمه درباره نیسان همان بیت را آورده و ذیل آن، همان حرف تقی‌زاده را از قول مینورسکی آورده است. به سخنی دیگر مرحوم سجادی نکته‌ای تازه بر مطالب پیشین نیفزوده‌اند و تنها سخن مینورسکی را مجدداً نقل کرده‌اند.

۶. آثار (خاقانی پژوهانه) دکتر عباس ماهیار

خارخار بند و زندان (شرح قصیده معروف به ترساییه) از جمله شروحنی است که اختصاصاً به قصیده مذکور پرداخته، در این اثر در توضیح بیت مذکور آمده است: «نیسان: مراد از نیسان در اینجا ظاهراً نیسان یهودیان است. در گاه‌شماری متقدمان دو ماه (نیسان) به چشم می‌خورد. یکی در گاه‌شماری سریانیان با رومیان که با ماه (مه) میلادی و تقریباً با اردیبهشت ایرانی مطابقت دارد و دیگر در گاه‌شماری عبرانیان که این ماه باید در اوایل فصل بهار واقع شود. ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه در باب ماه‌های عبرانیان می‌گوید: «عبرانیان و جمیع اشخاصی که از یهود به موسی منسوبند، ماه‌های ایشان دوازده ماه است و نام‌های آن بدین قرار است:

۱. تشتری؛ ۲. مرحشوان؛ ۳. کسیلو؛ ۴. طیبث؛ ۵. شفت؛ ۶. آذار؛ ۷. نیسن؛ ۸. آبر؛ ۹. سیون؛ ۱۰. تمز؛ ۱۱.

اوب؛ ۱۲. ایلل. روی هم رفته شمار روزهای ایشان ۳۵۴ روز، به مقدار سال قمری است.

نیسان و ارتباط آن با تولد حضرت عیسی: کلیمیان به یمن رهایی از دست فرعونیان و عبور از رود

نیل، مکلف شدند که عید فصیح خود را در روزهای آغازین بهاری و بدان هنگام که ماه در موقعیت بدر تمام

۱. خلف تبریزی، برهان قاطع، ذیل نیسان.

۲. زرین کوب، دیدار با کعبه جان، ص ۸۳-۸۴.

۳. خاقانی، دیوان، ص ۹۹۲.

باشد، برگزار کنند. این تکلیف یهودیان را بر آن داشت که برای جبران یازده روز و تقریباً یک چهارم روز (تفاوت سال شمسی و قمری) روزهایی را که در محاسبات خود کم می‌آوردند، معین کنند و وقتی که این ایام بر یک ماه بالغ شد، سال را کیسه بگیرند و یک ماه دیگر بر آن بیفزایند؛ بنابراین سال‌های کیسه آنان سیزده ماه محسوب می‌شد و ماه آذار را دوبار منظور کرده، به صورت ماه آذار اول و ماه آذار ثانی در تقویم‌ها ثبت می‌نمودند. با این اقدام با آنکه بر پایه ماه‌های قمری گاه‌شماری داشتند، ایامشان با ماه‌های شمسی نیز مطابقت گونه‌ای پیدا می‌کرد و در نتیجه ماه نیشان در آغاز سرسبزی طبیعت و فصل بهار واقع می‌شد. از سوی دیگر عید سبّار یا عید بشارت به عقیده جماعتی از نصاری در روز بیست و پنجم آذار سربانی است و به اعتقاد گروهی دیگر از مسیحیان در روز شانزدهم همان ماه است. آن روزی است که جبرئیل امین برای بشارت تولد حضرت عیسی نزد مریم آمد. معتقدان به روز بیست و پنجم یا شانزدهم آذار می‌گویند: حضرت مسیح با آنکه از نفخه روح القدس در وجود آمد، در جهان کون و فساد از دایره امور طبیعی پای بیرون نگذاشت و مکث طبیعی نه ماهه در رحم حضرت مریم کرد. بنابر این استدلال، چون از بیست و پنجم آذار قرار دارد که ماه نیشان یهود نیز با آن مطابقت نسبی دارد، پس توجه شاعر در مصراع اول این بیت به عید بشارت معطوف بوده است که در آن روزگار ظاهراً اول نیشان با بیست و پنجم آذار مطابق بوده است.^۱ با همه این توضیحات، سرانجام معلوم نیست آیا منظور از هم‌زمانی تیر و نیشان، بیست و پنجم آذار است. دیگر اینکه ایشان به تبیین جایگاه تیر پرداخته‌اند و تمام اهتمامشان، روشن کردن زمان نیشان بوده است و هر دو معنای نیشان را در فصل بهار دانسته‌اند؛ ضمن اینکه پس از این توضیحات مفصل، دوباره درباره انطباق تیر با نیشان، همان سخنان منسوب به تقی زاده از قول مینورسکی نقل شده است.^۲

نخل پیر: «... در اینجا تنها به ذکر نکته‌ای از کشف/الاسرار اکتفا می‌کنیم. میبیدی می‌گوید: «روزگار زمستان بود نه وقت رطب، اما ربّ العزه معجزه عیسی را و کرامت مریم را رطب پدید آورد از آن درخت خشک بی‌سر و شاخ.^۳ پس از این مطالب، بیت مورد بحث چنین معنی شده است: «معنی بیت: ای ممدوح ترا به روز بشارت جبرئیل امین درباره حضرت مسیح قسم می‌دهم و ترا بدان خرما بن پیری که در آن مکان، برنا و با طراوت گشت، سوگند می‌دهم.»^۴ چنان که پیداست، ایشان قسم مصراع نخست را روز بشارت جبرئیل دانسته‌اند و «تیر و نیشان»، جایگاه دیگری در معنی ایشان ندارد.

همین شرح در کتاب مالک ملک سخن نیز آمده است.^۵ همچنین در صفحه ۵۱ گزیده اشعار خاقانی به شرح این قصیده پرداخته‌اند و چیزی بیش از مطالب پیشین بر آن نیفزوده‌اند: «بیت ۵۴. نیشان: مراد ماه نیشان تقویم یهودیان است و (عید بشارت در آن سال که مسیح به دنیا آمد، با اول نیشان یهودی و در عین

۱. ماهیار، شرح مشکلات خاقانی؛ خارخار بند و زندان، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۲۹.

۳. همان، ص ۱۳۰.

۴. همان، ص ۱۳۰.

۵. ماهیار، مالک ملک سخن، ص ۲۲۷.

حال با سی تیر ماه ایرانی مطابق بوده است.)

نخل پیر: خرما بن سالخورده مراد خرما بنی است که حضرت مریم به هنگام زادن عیسی به سوی آن رفت.^۱

۷. آثار (خاقانی پژوهانه) دکتر کزازی

از دیگر شروح اختصاصی درباره قصیده ترسائیه، سوزن عیسی نوشته میرجلال الدین کزازی است؛ ایشان نخست معنای بیت را آورده‌اند: «تو را سوگند خواهم داد به زمانی که عیسی در آن مژده داده شد و در ماه تیر، برابر ماه نیسان بود؛ نیز به خرما بنی پیر و خشک که به خجستگی مریم، جوان شد و میوه داد».^۲ سپس در سه بخش واژه‌شناسی، زیباشناسی و ژرفاشناسی به تحلیل این بیت پرداخته‌اند؛ در بخش ریشه‌شناسی به بررسی ریشه واژگان تیر، نیسان، نخل، پیر و برنا پرداخته‌اند که نکته‌ای را در معنای بیت روشن نکرده است.^۳ در بخش زیباشناسی آمده است: «میان تیر و پیر، جناس یکسویه به کار رفته است؛ میان پیر و برنا، ناسازی هست. در پاره دوم بیت، چشمزدی به ورج و معجزه مریم آورده شده است که بدان خرما بن خشک شکفت و بار گرفت و خرمای تازه از آن رست».^۴ در بخش ژرفاشناسی نیز همان سخنان ابوریحان درباره جشن «سبار» را که دیگران نیز بدان پرداخته‌اند و نیز سخنان مینورسکی که از تقی زاده نقل شده، آمده^۵ و اشارتی که نشان دهنده دریافتی نو از بیت باشد، دیده نمی‌شود. همچنین در کتاب گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی در شرح بیت ۸۴ چامه ۸ چنین آمده: «در این بیت خاقانی از گاه‌شماری ایرانی و عبرانی یاد کرده است: بیست و پنجم مارس در سالی که مسیح به جهان آمد، برابر بود با سی ام تیر و یکم نیسان. تیر و پیر: جناس یکسویه را در آغاز می‌سازد. درباره برنا شدن خرما بن پیر: چامه ۴، بیت ۴۸، ص ۳۸،^۶ در پاورقی به کتاب سوزن عیسی ارجاع داده‌اند.

۸. نقد و شرح قصاید خاقانی

این اثر نوشته دکتر محمد استعلامی است که مدعی است شرح حاضر تقریرات مرحوم فروزانفر درباره قصاید خاقانی است؛ قصیده ترسائیه در صفحه ۱۴۸ این شرح آمده و بیت ۸۵ این قصیده، یعنی بیت مورد بحث ما، بدین صورت شرح شده: «باروری مریم، در آن روزگار با ماه تیر در تقویم کهن ایران همزمان بوده، که فصل میوه درخت خرما نبوده است. ابوریحان بیرونی آن را ۲۵ آذار ۳۰۳ اسکندری می‌داند که در ماه مارس قرار می‌گرفته و نه ماه و پنج روز تا دسامبر - کریسمس - فاصله داشته است. (نخل پیر) هم همان درخت خرمای بیت ۸۴ و بیت ۱۵ است».^۷ در اینجا تنها مطالبی به صورت کلی آمده و مشخص

۱. همان، ص ۶۴.

۲. کزازی، سوزن عیسی، ص ۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۵۲.

۵. همان، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۶. کزازی، گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، ص ۷۵.

۷. استعلامی، نقد و شرح قصاید خاقانی، ص ۱۶۸.

نیست که در آن روزگار چگونه زمان باروری مریم ماه تیر بوده و این کدام ماه تیری بوده که در آن فصل خرما نبوده است؟!

۹. شرح دیوان خاقانی

این شرح نوشته محمد رضا برزگر خالقی است و در صفحه ۱۸۸، بیت مذکور را شرح کرده است. در شرح مذکور، همان توضیحات مینورسکی آمده و مطلب تازه‌ای بدان نیفزوده است.^۱

۱۰. ساغری در میان سنگستان

این اثر، مجموعه مقالاتی است که جمشید علیزاده آن را گرد آوری کرده؛ در صفحه ۱۷۵ این کتاب شرح علامه قزوینی بر این قصیده آمده است. ایشان متن را با چند نسخه تطبیق داده و در پاورقی به نسخه بدل‌ها اشاره کرده‌اند. بیت مورد نظر نیز در صفحه ۲۲۱ کتاب آمده که در پاورقی شماره ۹ و ۱۰ به جای تیر، «تیره» آمده و در حاشیه نسخه ه: فصل گرما آورده‌اند؛ در مصراع دوم به جای گشت، «بود» آمده. و در نسخه ه، که ایشان ملاحظه کرده‌اند، در زیر نیشان، فصل بهار را آورده است.^۲

۱۱. سایر گزیده‌ها

در گزیده اشعار خاقانی با نام مرثیه خوان / مداین، تألیف محمد رضا برزگر خالقی و محمد حسین محمدی در شرح بیت مورد بحث، همان توضیحات مینورسکی آمده است.^۳ سایر گزیده‌ها مانند آتش اندر چنگ (ماحوزی، ۱۳۸۲)، شاهکارهای خاقانی (حکمت، ۱۳۸۳)، شاعر صبح (دانش پژوه، ۱۳۹۰) و... شرح این بیت نیامده است.

حاصل توضیحات شارحان

به نظر می‌رسد در شروح کهن یا به این بیت توجه نشده (مانند جواهرالاسرار) یا توضیح شارح چندان راهگشا نبوده است (مانند شرح قصیده مسیحیه خاقانی لاهیجی). تمام شروحنی که پس از مینورسکی نوشته شده، به بیان دیدگاه وی پرداخته‌اند و خود شارحان، خلاقیتی در تحلیل متن ارائه نکرده‌اند؛ همچنین اغلب مطالبی را که در شرح بیت افزوده‌اند، با متن چندان سازگار نیست و پیوند درخوری در آن دیده نمی‌شود و شارح پس از توضیح مطالب خویش، نهایتاً به همان قول مینورسکی بازگشته است. حاصل سخن اینکه: ۱- شارحان نهایتاً معنای محصلی، مبتنی بر اجزا متن عرضه نکرده‌اند؛ دلیل این موضوع را می‌توان در ارتباط نداشتن تحلیل‌های آنان جستجو کرد؛ چه بسا به بسط مطلبی پرداخته‌اند که هیچ‌گونه کمکی به درک مفهوم بیت نکرده است؛ مثلاً شارحی به تفصیل ماه‌های یهودیان را توضیح داده یا دیگری به جست و جوی ریشه کلمات بیت پرداخته، اما چنین کاری، گره‌ای از بیت نگشوده است. شارحان بر معنی واژگان

۱. خالقی، شرح دیوان خاقانی، ص ۱۷۷.

۲. علیزاده، ساغری در میان سنگستان، ص ۲۲۱.

۳. خالقی و محمدی، مرثیه خوان / مداین، ص ۵۵.

- «ماه و تیر»، که گرانیگاه معنای بیت هستند، تمرکز نکرده‌اند و بیشتر بر واژه «نیسان» متمرکز شده‌اند.
- ۲- برخی شارحان به ماه تیر یا سی‌ام تیر اشارت کرده‌اند؛ پرسش اینجاست اگر منظور خاقانی ماه تیر است، پس چرا نباید این ماه، فصل خرما باشد؟
- ۳- چه پیوندی میان دو مصراع دیده می‌شود؟
- به نظر می‌رسد تنها یکی از شروع کهن، یعنی شرح شادی آبادی، با توضیحی روشن، معنای بیت را به نحوی پذیرفتنی، عرضه کرده است:

شرح شادی آبادی

از جمله شروع قصاید خاقانی، شرح محمد بن داود بن محمد بن محمود علوی شادی آبادی است مشتمل بر ۴۴ قصیده خاقانی که در قرن دهم تألیف شده است. شادی آبادی در شرح بیت مذکور آورده است: «ماه تیر نام ماهی است. ماه پارسیمان است و آن مدت بودن آفتاب است در برج سرطان و آن هنگام ابتدای فصل تابستان است و هوای گرم. و به اصطلاح اهل خراسان تیر ماه فصل زمستان را گویند و آن هنگام سرماست و در آن وقت هیچ سبزه و میوه و برگ درختان نباشد و در اینجا همین مراد است. و نیسان نام ماه رومیان است و آن مدت بودن آفتاب در برج حمل است و آن ابتدای فصل بهار است. معنی بیت آن است که ای ممدوح ترا به آن تیرماه سوگند خواهم داد که در وقت زادن عیسی که نیسان شده بود یعنی در تیرماه نخل خرما کهنه از برکت عیسی سبز و باردار شده بود و بدان درخت کهنه سوگند خواهم داد که حق تعالی برای مریم عیسی سبز و باردار کرده بود؛ یعنی اگر چه در آن وقت زمستان بود و هیچ درختی باردار نبود، لکن به اعتبار آنکه نخل خشک از سر تر و تازه و سبز و باردار شد گویی ماه نیسان بود که ایام بهارست و این به طریق تعجب است که تیرماه و نیسان جمع شوند و در خزان بهار پیدا شود که الضدان لا یجمعان و بدان که برنا جوان را گویند»^۱.

به نظر می‌رسد شادی آبادی به دو نکته اساسی پرداخته که دیگران بدان وقعی ننهادند:

نخستین نکته‌ای که شادی آبادی بدان توجه کرده و دیگران از آن غافل بوده‌اند، معنی «تیر» است که به معنی فصل زمستان به کار رفته است؛

نکته دیگری که شادی آبادی بدان اشاره کرده، معنای ادبی یا هنری نیسان است؛ به دیگر سخن، وی تصریح کرده که نیسان در این بیت در معنای تقویمی و زمانی به کار نرفته است، بلکه شاعر ادعان دارد که زمستان به ماه نیسان بدل شده است.

شرح بیت

برای پی بردن به معنای بیت مذکور، به نظر می‌رسد نخست باید به مفردات آن توجه نمود و پس از

۱. شادی آبادی، شرح اشعار خاقانی، نسخه خطی مجلس، ص ۱۹۲-۱۹۳.

تبیین معانی مفردات، به ساختار آن پرداخت.

نخستین واژه این بیت، «ماه» است؛ یکی از معانی ماه، کاربرد آن به معنای فصل است که می‌توان آن را گونه‌ای مجاز به علاقه جزو و کل محسوب نمود؛ چنین کاربردی در شعر فارسی رایج بوده است، چنان که منوچهری صراحتاً به جای فصل خزان از ماه خزان یاد کرده:

المنة لله که این «ماه» خزان است ماه شدن و آمدن راه رزان است^۱

روشن است که در این بیت، مراد از ماه خزان فصل پاییز است. مرحوم دهخدا در یادداشت‌های خود بدین معنی توجه نموده است. (لغت‌نامه، ذیل واژه ماه)

دومین واژه‌ای که در این بیت نیازمند شرح و توضیح است، واژه «تیر» است؛ به نظر می‌رسد دریافت نادرست این واژه، موجب ابهام و معنای ناپذیرفتنی بیت شده است. چنان‌که ملاحظه شد، در تمام شروخی که به آنها پرداختیم، به جز شرح شادی آبادی، تیر به معنای یکی از ماه‌های پارسیان به کار رفته و بر اساس همین دریافت تلاش کرده‌اند به گونه‌ای مناسب زمانی و تقویمی میان این ماه و ماه نیشان بر قرار کنند. به نظر می‌رسد نگاهی به برخی معانی این واژه در روشن شدن معنای بیت راهگشا باشد. اسدی طوسی در لغت فرس، یکی از هفت معنی واژه «تیر» را فصل خزان می‌داند.^۲ در همین معنی فردوسی گوید:

بهار و تموز و زمستان و «تیر» نیاسود هرگز یل شیر گیر^۳

نیز عنصری در کنار فصل بهار، زمستان و تابستان (تموز)، تیر را در معنای فصل پاییز به کار برده:

تا همی گردد فصول عالم از گشت فلک گه تموز و گاه «تیر» و گه زمستان و بهار^۴

همو در بیت دیگری به اعتدال ربیعی و خریفی اشاره می‌کند و تأکید می‌نماید چنین اعتدالی در آغاز بهار و اول تیر (پاییز) روی می‌دهد:

چو تیر تا دو بود راست گشتن شب و روز یکی به وقت بهار و دگر در اول «تیر»^۱

معنای دیگر واژه تیر، علاوه بر فصل پاییز، فصل زمستان است. در گرشاسب نامه هنگامی که برهمن درباره آفرینش به گرشاسب پاسخ می‌دهد، تنها از دو فصل یاد می‌کند: نوبهار و تیر:

گهی نوبهار آید و گاه «تیر» جوان است گیتی گه و گاه پیر^۲

به دیگر سخن، نوبهار را به جای بهار و تابستان قرار داده و تیر را به جای پاییز و زمستان. عنصری نیز با توجه به چنین معنایی است که می‌گوید: اگر در فصل پاییز و زمستان باید لباس بیشتری پوشید، چرا با فرارسیدن این زمان، درختان برهنه می‌شوند:

۱. منوچهری دامغانی، دیوان، ص ۱۳.

۲. اسدی طوسی، لغت فرس، ص ۱۳۹.

۳. به نقل از لغت‌نامه.

۴. عنصری، دیوان، ص ۱۲۰.

اگر به تیر مه از جامه بیش باید تیر چرا برهنه شود بوستان چو آید تیر^۱ در آغاز و انجام این بیت، «تیر» به معنای فصل پاییز و زمستان به کار رفته و در پایان مصراع نخست، در معنای بهره و حصه.

با این تفصیل، ماه تیر در سروده خاقانی به هیچ روی نمی‌تواند در معنای تیرماه پارسیان به کار رفته باشد؛ ضمن اینکه در تفسیر آیه ۲۵ سوره مریم «وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا» آمده است که: «روزگار زمستان بود نه وقت رطب. اما رب‌العزه معجزه عیسی را و کرامت مریم را رطب پدید آورد از آن درخت خشک بی سر بی شاخ»^۲. این مطلب نیز شاهد دیگری است بر اینکه تیر در معنای زمستان به کار رفته است. از سویی به دلیل اینکه خاقانی به تناسب و ارتباط هنری واژگان بیت بسیار توجه می‌کند، گزینش واژه تیر بی چیزی نیست؛ زیرا یکی از معانی این واژه عبارت است از «شکوفه درخت خرما که عربان آن را طلع گویند» (لغت نامه) که در این معنی با نخل ایهام تناسب دارد؛ به نظر می‌رسد خاقانی با توجه به چنین ارتباطی هنری است که واژه «تیر» را برگزیده است.

علاوه بر اینها، تقابل میان پیر و برنا در مصراع دوم، خواننده را به تقابل میان تیر و نیسان در مصراع نخست رهنمون می‌شود؛ بر این اساس اگر تیر به معنای زمستان به کار رفته باشد، نیسان نیز مجازاً به معنای بهار است؛ نکته‌ای که شادی آبادی نیز به درستی به آن اشاره کرده است. با توجه به چنین مطالبی، معنای بیت عبارت است از:

«قسم به زمستانی که بهار بود (به دلیل شکوفه آوردن نخل) و سوگند به نخل پیری که جوان شد.»

نتیجه

با جست و جو در شروح خاقانی درباره بیت مذکور، به نظر می‌رسد شارحان بیش از آنکه به معانی الفاظ و پیوند اجزای متن توجه کنند، به نقل اقوال دیگری پرداخته‌اند. در این بیت نیز اساس عمده شرح‌ها، توضیحات مینورسکی بوده است. به نظر می‌رسد اساس مشکل، ناشی از بی توجهی به مفردات بیت است؛ اگر در همان آغاز معانی ماه و تیر بر اساس متون روشن می‌شد و شارحان معنی فصل زمستان را استنباط می‌کردند؛ همچنین به پیوندهای هنری متن توجه می‌شد، علاوه بر اینکه تحلیل درخوری از بیت ارائه می‌گردید، با بسیاری از توضیحاتی که ابهامات و گره‌های متن را افزوده‌اند، مواجه نمی‌شدیم.

۱. عنصری، دیوان، ۶۴.

۲. میبیدی، کشف الاسرار، ج ۶، ص ۳۲.

منابع:

- استعلامی، محمد، نقد و شرح قصاید خاقانی، چاپ دوم، تهران، زوآر، ۱۳۹۰.
- اسدی طوسی، ابو منصور علی بن احمد طوسی، گرشاسب نامه، به اهتمام و تصحیح حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۹.
- اسدی طوسی، ابو منصور علی بن احمد طوسی، لغت فرس به انضمام ملحات، مقدمه، تصحیح و تحشیه عباس اقبال آشتیانی، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۹۰.
- آذر طوسی، علی حمزه بن ملک بن حسن الطوسی، جواهر الاسرار، تصحیح و تحقیق احمد شاهد، چاپ اول، تهران، نشر سنبله، ۱۳۸۶.
- برزگر خالقی، محمد رضا، شرح دیوان خاقانی، چاپ اول، تهران، زوآر، ۱۳۸۷.
- برزگر خالقی، محمد رضا، محمد حسین محمدی، مرثیه خوان مداین، چاپ اول، تهران، زوآر، ۱۳۷۹.
- حکمت، شاهرخ، شاهکارهای خاقانی، تهران، نویسنده، ۱۳۸۳.
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل ابن علی نجار، دیوان خاقانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی، چاپ پنجم، تهران، زوآر، ۱۳۷۴.
- خلف تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- دانش پژوه، منوچهر، شاعر صبح، مروری بر زندگی و آثار خاقانی، تهران، همشهری، ۱۳۹۰.
- دولت‌شاه سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی، تذکره الشعراء، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، چاپ اول، تهران، انتشارات گوتنبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰.
- زرین کوب، عبد الحسین، دیدار با کعبه جان، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۷۹.
- سجادی، ضیاءالدین، شاعر صبح، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۷۴.
- سجادی، ضیاءالدین، فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، چاپ سوم، تهران، زوآر، ۱۳۸۹.
- سجادی، ضیاءالدین، گزیده اشعار خاقانی، چاپ اول، تهران، جامی، ۱۳۸۴.
- سجادی، ضیاءالدین، گزیده اشعار خاقانی، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- شادی آبادی، محمد بن داود، شرح اشعار خاقانی، نسخه خطی مجلس شماره ۱۶۷۶۶ و شماره ثبت ۲۰۷۹۳۱، ص ۱۹۲-۱۹۳.
- علیزاده، جمشید، ساغری در میان سنگستان (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸.
- عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن بن احمد، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه سنائی، ۱۳۶۳.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰.
- کزازی، میر جلال‌الدین، گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.

- کزّازی، میر جلال‌الدین، سوزن عیسی، چاپ اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.
- لاهیجی، شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین، «شرح قصیده ترسائیه خاقانی»، به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی، فر هنگ ایران زمین، جلد هیجدهم، ۱۳۵۰، ص ۲۴۴-۳۶۰.
- ماحوزی، مهدی، آتش اندر چنگ، چاپ اول، تهران، زوار، ۱۳۸۲.
- ماهیار، عباس، شرح مشکلات خاقانی خارخار بند و زندان، چاپ دوم، تهران، جام گل، ۱۳۸۲.
- ماهیار، عباس، گزیده اشعار خاقانی، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۶.
- ماهیار، عباس، مالک ملک سخن، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۸۸.
- معین، محمد، حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی شروانی، به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ اول، تهران، پاژنگ، ۱۳۵۸.
- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۰.
- میدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة‌الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، جلد ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- مینورسکی، ولادیمیر، شرح قصیده ترسائیه، ترجمه و تعلیقات از عبدالحسین زرین کوب، چاپ اول، تبریز، مؤسسه انتشارات سروش، ۱۳۴۸.

پی‌نوشت‌ها:

۱. همان، ص ۳۷.
۲. اسدی طوسی، گرشاسب نامه، ص ۱۳۶.